

تحلیل روند شهروندی دختران جوان مؤسس سمن‌های جوانان اصفهان: پژوهشی روایی

سمانه استکی اورگانی^۱

پروین قاسمی^۲

علی هاشمیان فر^۳

 10.22034/SSYS.2022.2004.2422

تاریخ دریافت مقاله: ۱۴۰۰/۰۶/۱۲

تاریخ پذیرش مقاله: ۱۴۰۰/۰۸/۰۹

این پژوهش درصدد است به روایت‌ها و معناهای فعالیتهای مشارکتی زنان و دختران جوان دبیر سازمان‌های مردم‌نهاد (سمن) جوانان فعال استان اصفهان بپردازد تا بررسی شود کدام زمینه‌های اجتماعی و دلایل این دختران را به سوی چنین فعالیت جمعی و مشارکتی با اهداف دگرخواهانه سوق می‌دهد.

بر اساس رویکرد نظری، انواع مشارکت از مشارکت صوری تا مشارکت واقعی در نردبان ۸ پله‌ای ارنستاین^۴ و بنا به روش تحلیل روایت موضوعی از منظر کاترین رایزمن^۵، از بین ۳۸ دختر زن جوان دبیر سمن‌های فعال استان اصفهان، روایت ۲۲ تن از آنها گردآوری، کدگذاری و مقوله‌بندی شد. این دختران - به جز یکی از آنها - از تحصیلات در مقطع کارشناسی و کارشناسی ارشد برخوردار و بیشتر آنها تحصیل کرده رشته‌های علوم انسانی و اجتماعی بودند. برای آنها به ویژه تحصیل کرده‌های رشته‌های علوم انسانی، فرصت‌های شغلی اندکی وجود دارد. از طرفی، نزدیک به

۱- کارشناس ارشد جامعه‌شناسی، گروه علوم اجتماعی، دانشکده ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه اصفهان، اصفهان،

ایران (نویسنده مسئول)

E-mail: Saesteki@yahoo.com

۲- دکترای انسان‌شناسی، دانشگاه تهران، تهران، ایران

۳- دانشیار، گروه علوم اجتماعی، دانشکده ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه اصفهان، اصفهان، ایران

4. Arnstein, S. P.

5. Riessman

● تحلیل روند شهروندی دختران جوان مؤسس سمن‌های جوانان اصفهان: پژوهشی روایی

۷۰ درصد از دختران جوان در سنین ۲۵ تا ۳۲ ساله این پژوهش مجرد بودند. این شرایط، زمینه‌های مناسبی در ترغیب دختران به تشکیل سازمان‌های مردم‌نهاد و رسمیت بخشیدن به حضور آنها در جامعه ایجاد کرده است. تجربه‌های مشارکتی خارج از روابط خانوادگی و ارتباط با سازمان‌های شبه دولتی، بسیج و سازمان‌های دولتی در فعالیت دختران مؤسس سمن مؤثر بوده و این زمینه‌ها و آشنایی آنها با مسائل اجتماع شهر و محله‌اشان، آنها را به سوی مشارکت اجتماعی از نوع ثبت سمن و فعالیت در آن سوق داده است.

واژگان کلیدی: سمن‌های جوانان، مشارکت، تحلیل روایی، دختران جوان و جامعه مشارکتی ذره‌ای شده.



مقدمه

مشارکت دختران جوان در سطح کلان در صورت انجام فعالیت‌های اجتماعی در چارچوب‌های تجویز شده و ساختار مذهبی - سیاسی کشور توصیه شده است. از این رو، از مشارکت گروهی زنان با اهدافی خارج از چارچوب‌های اجتماعی، مذهبی، سیاسی و آموزشی کشور ممانعت می‌شود. برای مثال، پیش از انقلاب اسلامی زنان محجبه در ساختار اداری - آموزشی کمتر پذیرفته می‌شدند و پس از انقلاب این وضعیت برای گروه‌های دیگری از زنان که مخالف حجاب اجباری بودند، به صورت متقابل مطرح شد. (خاتم: ۱۳۸۶) دلایل دیگری همچون وجود انتظاراتی از نقش‌های جنسی زنان و مردان هم در ترغیب به مشارکت زنان اثرات منفی داشته (صفری و همکاران، ۱۳۷۹) و این زمینه‌ها بر میزان تمایل به مشارکت برای امور عمومی و غیرشخصی تأثیرگذار بوده است. این در حالی است که سطح تحصیلات زنان و آگاهی اجتماعی آنها در مقایسه با گذشته افزایش یافته، اما فرصت‌های حضور متناسب با افزایش تعداد زنان تحصیل کرده در کل کشور برای آنها مهیا نشده است. مستندنگاری «مکتبی در کوچه‌های شهر؛ گامی در راستای توسعه محلی» (قاسمی، ۱۳۹۸) که مبتنی بر تجربه‌های میدانی در تهران انجام شده، مطالعه موردی ثبت انواع مشارکت مردمی در این شهر است. بخشی از آن روایت زنان تحصیل کرده و جوانی است که سعی دارند در امور شهر و محله‌اشان ایفای نقش کنند و کار داوطلبانه داشته باشند، اما در مورد چگونگی موقعیت‌های تثبیت حضور خودشان آگاهی و اطلاعات ندارند. خوشبختانه، اینک دختران جوانی در شهرستان‌های استان اصفهان اقدام به ثبت سمن کرده‌اند و در قالب آن اقدامات اجتماعی، سیاسی و سلامت‌محور انجام می‌دهند. این پژوهش بر آن است که به پرسش زیر پاسخ گوید:

با وجود دشواری مشارکت زنان به طور عام و دختران جوان به طور خاص، کدام زمینه‌های اجتماعی دختران و زنان جوان شهرهای کوچک و بزرگ استان اصفهان را به ثبت سازمان مردم‌نهاد و انجام فعالیت داوطلبانه سوق داده است؟

سازمان مردم‌نهاد، «هر گروه غیرانتفاعی و داوطلبانه از شهروندان است که در سطوح محلی، ملی یا بین‌المللی توسط مردمی با علایق مشترک اداره می‌شوند و انواع خدمات و کارهای خیریه را انجام می‌دهند، دغدغه‌های شهروندان را به دولت منتقل می‌کنند و سیاست‌ها را مورد بررسی قرار می‌دهند» (رمضانی قوام آبادی و شفیعی سردشت، ۱۳۹۱: ۵۱). «شکل‌گیری سازمان مردم‌نهاد در ایران، پس از انتخابات شوراهای اسلامی شهرهای کشور فراهم شد. شوراهای شهر، بحران مشارکت و حضور نداشتن شهروندان را یکی از معضلات عمده مدیریت شهری برمی‌شمردند» (خاتم، ۱۳۸۰: ۲۲).

گروه‌های جوانان از ظرفیت‌های مهم جهت تقویت مشارکت اجتماعی در برنامه‌های سیاستگذارانه محسوب می‌شوند. از سال ۱۳۹۰ که «سازمان تربیت بدنی» با «سازمان ملی جوانان» ادغام و «وزارت ورزش و جوانان» راه اندازی شد، گروه سنی جوانان یعنی دختران و پسران ۱۸ تا ۳۵ ساله توانستند در چارچوب تقسیم وظایف دولتی و در قالب نمودار تشکیلاتی وزارتخانه به عنوان «سازمان‌های مردم‌نهاد» که از این پس با نام «سمن» از آنها یاد می‌شود، نقش‌های موثرتری ایفا نمایند. بنا به گزارش «اداره کل مشارکت‌های اجتماعی و فعالیت‌های داوطلبانه جوانان» وزارت ورزش و جوانان (۱۳۹۷)، دختران جوان تا مهر ۱۳۹۷ توانسته‌اند ۷۱۰ سازمان مردم‌نهاد (۳۴/۶ درصد) و پسران جوان ۱۳۴۳ (۶۵/۴ درصد) در کل کشور ثبت و آغاز به کار نمایند. استان اصفهان طی سال‌های ۱۳۹۱ تا آبان ۱۳۹۷، خاستگاه ۱۶۶ سازمان مردم‌نهاد بوده که در مقایسه با تهران تقریباً

رشد دو برابری داشته- جمع سازمان‌های مردم‌نهاد طی این سال‌ها برای تهران ۸۲ سازمان مردم‌نهاد بوده است (اداره کل مشارکت‌های اجتماعی و فعالیت‌های داوطلبانه جوانان وزارت ورزش و جوانان، ۱۳۹۷: صص ۱ و ۲).

بنا بر گزارش‌های معاونت امور جوانان استان اصفهان، از میان سمن‌های ثبت شده در اصفهان تا سال ۱۳۹۷، دبیری ۶۰ سمن (۳۶ درصد از کل سمن‌ها) به دختران جوان اختصاص داشته، اما تنها ۳۸ سمن در زمره سمن‌های فعال بوده اند. ۴۴ درصد این سمن‌ها (۱۶ سمن) در شهر اصفهان، ۷/۸ درصد (۳ سمن) در تیران و کرون و ۵/۲ درصد (۲ سمن) در شهرستان‌های فلاورجان، اردستان و سمیرم قرار داشته‌اند. همچنین، در شهرستان‌های فریدون‌شهر، فریدن، خوانسار، گلپایگان، برخوار، نائین، کاشان، آران و بیدگل، شاهین‌شهر، نجف‌آباد، خور و بیابانک و خمینی‌شهر هم تنها ۲/۶ درصد (۱ سمن) به سازمان‌های مردم‌نهاد دختران جوان اختصاص داشته و در شهرستان‌های شهرضا، دهاقان، نطنز، مبارکه، لنجان هیچ سمنی ثبت نشده - در حالی که سازمان مردم‌نهاد متعلق به مردان وجود داشته است. فعالیت سمن‌های فعال در حوزه فعالیت‌های اجتماعی با موضوعاتی چون: حفظ کیان خانواده و تمرکز بر ترویج ازدواج موفق و از این دست و همچنین گریز از آسیب‌های مواد مخدر (۱۶ سمن از ۳۸ سمن یا به عبارتی، نزدیک به ۵۰ درصد از سمن‌های استان اصفهان)، فعالیت‌های آموزشی در حوزه کودکان، فعالیت‌های اقتصادی مثل کارآفرینی و اشتغال، فعالیت‌های سلامت با موضوع ورزش همگانی، فعالیت در حوزه اعتقادات مذهبی با موضوعات حجاب و عفاف و بزرگداشت شهدا، فعالیت‌های فرهنگی اعم از گردشگری و در آخر فعالیت هنری با موضوع شعر و ادبیات، و در آخر فعالیت زیست محیطی - از هر کدام تنها یک نمونه - بوده است. بیشترین پراکندگی در میان سمن‌ها اختصاص به فعالیت‌های اجتماعی دارد.

تعداد اعتبارنامه فعالیت سمن‌ها از سال ۱۳۹۲ تا سال ۱۳۹۷ هر چند حداقلی، اما با افزایش رو به رو بوده است؛ در سال ۱۳۹۴، ۷ سمن، در سال ۱۳۹۵، ۱۰ سمن و در سال‌های ۱۳۹۶ و ۱۳۹۷ به ترتیب ۱۰ و ۱۱ سمن ثبت شده است. در این سال‌ها در شهرستان‌های دور از مرکز استان مثل خور و بیابانک و شهرستان نائین هم سمن‌های مختص بانوان به ثبت رسیده، اما به هر حال، نزدیکی شهرستان‌ها به مرکز در تقویت ثبت سازمان‌های مردم‌نهاد توسط دختران جوان نقش داشته است. هدف اصلی این پژوهش، شناخت چگونگی مشارکت دختران جوان و افزایش بهره‌وری از هزینه‌های انجام شده مدیریتی در این زمینه است. این شناخت، کیستی دبیران سمن‌ها، چستی فعالیت‌های آنها، کیفیت این فعالیت‌ها و همچنین کمیت این گونه از مشارکت را دربرمی‌گیرد و هدف بعدی یعنی غنابخشی مشارکت زنان در کشور را ممکن می‌سازد. از این رهگذر کاربست نتایج به دست آمده از پژوهش در راستای ترویج مشارکت در ابعاد مختلف مدیریت کلان و خرد اساسی است. غنابخشی مشارکت در گروه‌های زنان و به طور خاص دختران جوان، با توجه به مسائلی که در جامعه با آنها مواجه هستند، به مشارکت فعال آنها منجر می‌شود. بنا به پیشینه پژوهش که در ادامه ارائه شده، عمده پژوهش‌ها به شیوه پیمایش انجام گردیده و کمتر به تحلیل انسان‌شناختی مشارکت سازمان‌های مردم‌نهاد توجه شده است. نگرش انسان‌شناختی به فعالیت دبیران در سمن‌ها این مهم را نشان خواهد داد که مشارکت در قالب سمن‌ها در جای جای ایران به ویژه در بین دختران جوان ایرانی، چگونه در حال شکل‌گیری است و از کدام زمینه‌ها ناشی می‌شود.

پرسش‌های پژوهش

پرسش‌های اصلی پژوهش عبارت‌اند از:

۱. چگونه دختران و زنان جوان اصفهانی بنیان‌گذار سمن‌ها، مشارکت و حضور خودشان در جامعه را تثبیت کرده‌اند؟
۲. هدف دختران و زنان جوان مؤسس سمن‌های اصفهان از ثبت و راه‌اندازی سمن چیست؟
۳. سمن‌های دختران و زنان جوان اصفهان چه تأثیری در موقعیت زنان در جامعه محلی دارد؟
۴. آیا سمن‌های دختران و زنان جوان اصفهان، تحقق بخش مشارکت واقعی است؟

پیشینه پژوهش‌های انجام شده

پژوهش‌های بسیاری با موضوع مشارکت براساس روند شهروندی گروه‌های مختلف جنسی و سنی در بین شهروندان انجام شده است. به این پژوهش‌های انجام شده طی دو دهه گذشته به صورت مختصر با ذکر موضوع، روش، جامعه آماری و نتایج آنها در دو زمینه مشارکت عمومی مردان و زنان در گروه‌های سنی مختلف به صورت عام و به پژوهش‌هایی که به صورت خاص به مشارکت زنان پرداخته‌اند در گروه دوم، پرداخته شده است:

جدول ۱. پژوهش‌های انجام شده با موضوع مشارکت اجتماعی

نویسنده/نویسندگان	سال انتشار	موضوع	روش تحقیق	جامعه آماری	نتایج
قدسی	۱۳۹۷	سرمایه فرهنگی و مشارکت اجتماعی	پیمایش	کلیه جوانان ۱۵ تا ۲۴ ساله شهر ایلام	بین بعد ذهنی سرمایه فرهنگی و مشارکت اجتماعی رابطه مثبت و معناداری وجود دارد. بین دو متغیر عینیت یافتگی سرمایه فرهنگی و مشارکت اجتماعی رابطه مثبت و معناداری وجود دارد. افزایش بعد نهادی سرمایه فرهنگی سبب افزایش میزان مشارکت اجتماعی در میان جوانان شهر ایلام می‌گردد. بین میزان دینداری افراد، مصرف تلویزیون، رضایتمندی سیاسی و اجتماعی با مشارکت سیاسی - اجتماعی با مشارکت رابطه مثبت و معناداری وجود دارد. بین مصرف ماهواره با میزان مشارکت سیاسی - اجتماعی رابطه معکوس و معنادار
زارع و روهنده	۱۳۹۴	عوامل اجتماعی موثر بر مشارکت اجتماعی - سیاسی	پیمایش	کلیه شهروندان بالای ۱۸ سال شهر کرج	

<p>نشاط اجتماعی در حد متوسط به بالا و میزان مشارکت اجتماعی در حد متوسط به پایین است. بین میزان نشاط اجتماعی و مشارکت اجتماعی همبستگی مستقیم معنی داری وجود دارد. وجود روحیه مشارکتی بیشترین تأثیر را در میزان نشاط اجتماعی دانشجویان داراست.</p>	<p>دانشجویان دانشگاه آزاد واحد اردبیل</p>	<p>مشارکت اجتماعی و نشاط اجتماعی</p>	<p>۱۳۹۴</p>	<p>گلابی و اخشی</p>
<p>سطح مشارکت اجتماعی در بین جوانان در سطح پایینی قرار دارد (متوسط ۴/۸ از ۱۸ فعالیت). بین کیفیت روابط (میزان صمیمیت)، حمایت مشاوره ای و اطلاعاتی، و اعتقاد به هنجار عمل متقابل و مشارکت اجتماعی رابطه ای مثبت وجود دارد. جوانانی که دارای هویت ملی و دینی قوی تر و هویت جنسیتی مدرن تری هستند، مشارکت بیشتری دارند.</p>	<p>جوانان ۲۰ تا ۲۹ ساله شهر شیراز</p>	<p>سرمایه اجتماعی، هویت و مشارکت اجتماعی</p>	<p>۱۳۸۹</p>	<p>سروش و افراسیابی</p>
<p>بین میزان مشارکت سازمان یافته افراد مورد مطالعه از وضعیت مناسبی برخوردار نیست (۷۶/۱ درصد از کل پاسخگویان مشارکت پایین داشتند). بین پایگاه اقتصادی و اجتماعی، اعتماد فردی و اعتماد تعمیم یافته به عنوان دو شکل متفاوت از اعتماد اجتماعی و مشارکت رابطه مثبت و معناداری وجود دارد. بین اعتماد نهادی به عنوان شکل سوم اعتماد اجتماعی و</p>	<p>ساکنان مناطق شهرداری یک، هفت و هفده شهر تهران</p>	<p>اعتماد و مشارکت</p>	<p>۱۳۸۸</p>	<p>علی پور و همکاران</p>

مشارکت اجتماعی رابطه معکوس
وجود دارد.

به لحاظ ویژگی های شخصیتی، غالب بودن جهت گیری های عام گرایانه، آینده گرایی و فقدان بیگانگی اجتماعی در فرد موجب آمادگی بیشتر در بروز رفتارهای مشارکتی می شود و همراه با متغیر اعتماد اجتماعی زمینه ساز ایجاد مشارکت می گردند.	دانشجویان دانشگاه های علوم پزشکی تهران(شهید بهشتی و ایران)	تبیین مشارکت اجتماعی - فرهنگی دانشجویان	۱۳۸۴	دهقان و غفاری
--	--	---	------	---------------

در حوزه سمن های زنان، مطالعات بسیاری با روش کمی و مقتضیات خاص پژوهش های کمی و از منظر یافتن چرایی مشارکت زنان در جامعه در اقصی نقاط ایران مثل لرستان، آذربایجان شرقی، شیراز و در کنار آن، اثربخشی سمن ها بر جامعه زنان محلی (وار نیواز، ۲۰۰۰) وجود دارد. در حوزه حضور زنان در قالب مشارکت اجتماعی پژوهش هایی به قرار زیر انجام شده است:

جدول ۲. پژوهش های انجام شده داخل ایران حول حضور اجتماعی زنان و سمن های زنان

نویسنده/نویسندگان	سال انتشار	موضوع	روش تحقیق	جامعه آماری	نتایج
شاهیوندی و همکاران	(۱۳۹۸)	بررسی تجربه زیسته زنان در رابطه با نقش های محول و نقش های محقق	پیمایش	زنان عضو سازمان های مردم نهاد استان لرستان	بین فعالیت در سازمان مردم نهاد و نزدیکی نظام و زیست جهان رابطه معناداری وجود دارد. فعالیت در سازمان مردم نهاد با حضور داوطلبانه گره خورده است و حضور داوطلبانه یعنی انعطاف پذیری در پذیرش نقش ها و فعالیت های که به کل زندگی تسری پیدا می کند.
صفری و همکاران	(۱۳۹۷)	تبیین نابرابری جنسیتی در سازمان های مردم	پیمایش	زنان شهری حداقل ۲۵ سال با تحصیلات عالی و	انتظارات اجتماع از نقش های جنسی زنان

<p>بیشتر و مردسالاری در فرهنگ و سنت قوی‌تر باشد، زنان بیشتر در تأسیس یا عضویت در سازمان‌های مردم‌نهاد ناتوان هستند.</p>	<p>بیکار استان آذربایجان شرقی</p>	<p>نهاد استان آذربایجان شرقی</p>	<p>(۱۳۹۲)</p>	<p>محسنی و همکاران</p>
<p>بیشترین میزان تأثیر در انگیزه مشارکت زنان برای فعالیت در سازمان‌های مردم‌نهاد را به ترتیب، میزان مصرف رسانه‌ای، آگاهی سیاسی زنان، پایگاه اقتصادی و در نهایت انسجام خانوادگی داشته‌اند. از متغیرهای خاص‌نگاه اجتماعی اقتصادی خانواده، عضویت و فعالیت فرد در انجمن‌ها، فعالیت والدین و دوستان فرد در انجمن‌های مختلف، تمایل فرد به مشارکت، تمایل والدین و دوستان فرد به مشارکت؛ متغیر فعالیت فرد در انجمن‌ها بیشترین تأثیر و تمایل والدین فرد به مشارکت، کمترین تأثیر را بر مشارکت زنان داشته است.</p>	<p>زنان در سازمان‌های مردم‌نهاد استان گلستان</p>	<p>پیمایش</p>	<p>بررسی عامل‌های موثر بر انگیزه مشارکت زنان در سازمان‌های مردم‌نهاد</p>	<p>گلابی و حاجیلو</p>
<p>انجمن‌های مختلف، تمایل فرد به مشارکت، تمایل والدین و دوستان فرد به مشارکت؛ متغیر فعالیت فرد در انجمن‌ها بیشترین تأثیر و تمایل والدین فرد به مشارکت، کمترین تأثیر را بر مشارکت زنان داشته است.</p>	<p>زنان ۱۸ تا ۶۴ ساله ساکن در استان آذربایجان شرقی</p>	<p>پیمایش</p>	<p>پژوهش‌های علوم انسانی و مطالعات فرهنگی بررسی جامعه‌شناختی برخی عوامل موثر بر میزان مشارکت سیاسی زنان (مطالعه موردی استان آذربایجان شرقی)</p>	<p>(۱۳۹۱)</p>

رابطه معناداری بین تأهل، قومیت، تحصیلات اعضا و تحصیلات همسرانشان با عملکرد سازمان وجود ندارد، اما بین شاخص‌های سرمایه اجتماعی ساختاری و شناختی با عملکرد سازمان رابطه مستقیم وجود دارد.	۵۲ سمن زنان شهر شیراز	پیمایش	بررسی تأثیر سرمایه اجتماعی بر عملکرد سازمان‌های غیردولتی زنان از دید اعضای در شهر شیراز	۱۳۸۹	جهانگیری و شکری‌زاده
---	--------------------------	--------	--	------	-------------------------

۴۱

وار نیواز (۲۰۰۰) در مطالعه‌ای با عنوان «تأثیر برنامه‌های سازمان‌های غیردولتی بر توانمندسازی زنان روستایی در بنگلادش (نمونه موردی: اتاران)» تلاش کرده است تأثیر سمن‌ها به ویژه برنامه‌های اقتصادی را در توانمندسازی زنان روستایی بررسی کند. وی در مطالعه میدانی دو روستای بنگلادش با ۲۰ تن از زنانی که حداقل ۴ سال در برنامه‌های سمن‌ها شرکت کرده بودند، مصاحبه عمیق انجام داد. نتایج تحقیقات وی نشان داد که درک زنان از خود بهتر شده، کنترل منابع مادی در آنها بهبود یافته، روابط اجتماعی‌اشان بهتر شده و آگاهی و تحصیلات آنها افزایش یافته است.

مطالعه دیگری را هندی و کاسمن^۲ با عنوان «آنچه را تبلیغ می‌کنید، تمرین می‌کنید؟ نقش سازمان‌ها غیردولتی روستایی در توانمندسازی زنان» (۲۰۰۶) منتشر کرده‌اند. همان طور که عنوان مقاله هم نشان می‌دهد این مقاله به این پرداخته که آیا فعالیت‌های توانمندسازی سازمان‌های غیردولتی روی کارکنان این سازمان‌ها هم تأثیر گذاشته است. آنها با مطالعه موردی یکی از سازمان‌های فعال در روستاهای هند به این نتیجه رسیده‌اند که زنان فقیر و کم درآمدی که به عنوان نیروی کار تسهیلاتگر وارد این سازمان‌ها شده‌اند، بعد از مدتی خود به یک ناظر اجتماعی تبدیل می‌شوند و به صورت فعال در عرصه اجتماعی کنشگری می‌کنند. این تأثیرگذاری البته طی نزدیک به سه دهه در زندگی کارکنان این مؤسسه غیردولتی مورد بررسی قرار گرفته است.

اسری‌واستاو و اوستین^۳ در سال ۲۰۱۲ مقاله‌ای با نام «زنان و سازمان‌های غیردولتی در کشورهای توسعه یافته» منتشر کرده‌اند. این دو پژوهشگر در این مقاله به الگوهای تجربه شده سرکوب زنان در کشورهای جهان سوم و انواع مداخله‌هایی را که سازمان‌های غیردولتی در راستای کاهش سرکوب زنان انجام داده‌اند پرداخته‌اند. مدل‌های مختلف سرکوب مثل انقیاد، انزوا و استثمار جنسی - اقتصادی بوده است. از این طریق زنان به واسطه کم سواد، حقوق کم و سوءاستفاده جنسی سرکوب می‌شوند. الگوی کمک سازمان‌های غیردولتی در دو بخش مداخله‌های توسعه‌ای^۴ و مداخله‌های هوادارانه^۵ در بخش‌های آموزش، سلامت، اقتصاد و حقوق زنان در مالکیت زمین، حقوق مربوط به سلامت و

1. Newaz, W.
2. Handy & Kassam
3. Srivastava & Austin
4. Advocacy interventions
5. Development interventions

حق آموزش مورد تأکید بوده است. در این مقاله به رشد فزاینده سازمان‌های غیردولتی اشاره شده و در ضمن تأکید کرده که دشوار بتوان ارزیابی دقیقی از تأثیرات این سازمان‌ها ارائه کرد. نویسندگان تصریح نموده‌اند که برخلاف این رشد فزاینده، به دلیل فرهنگ پدرسالارانه، حاشیه‌ای کردن زنان و علائق آنها، ایدئولوژی سازمان‌یافته، نظام‌های ارزشی و سبک‌های مدیریتی که فرهنگ مرد محور را توسعه می‌دهد، کاهش انواع سرکوب خیلی کند و آرام اتفاق می‌افتد.

پژوهش حاضر در پی آن است تا از زاویه دیگری با رویکرد کیفی و با کمک راویان تحقیق که از هویت فعال و مشارکت‌کننده در پژوهش برخوردارند، به بازگویی روایت چگونگی و چرایی آغاز به کارشان در نقش مدیر و دبیری سازمان مردم‌نهاد جوانان بپردازد. این روایت‌ها به ما بازگو خواهند کرد که چطور دخترانی در شهرهای کوچک و بزرگ احساس نیاز کرده‌اند تا سمن ثبت کنند و در امور اجتماعی شهرشان ورود نمایند.

ادبیات نظری پژوهش

ارنستاین.اس. پی^۱، از نظریه پردازان حوزه مشارکت، مشارکت را به نردبانی تشبیه کرده است که هشت پله دارد و در هر کدام از پله‌ها سهم قدرت طرفین متفاوت است. در پایین‌ترین سطح این نردبان، فریبکاری^۲ قرار دارد. در این مرحله مشاکت عمومی غیرواقعی و جعلی به واسطه فریبکاری اتفاق می‌افتد:

پله های مشارکت			
۸ نظارت شهروندی			
۷ قدرت نمایندگی شده			
۶ شراکتی	درجه‌ای از قدرت شهروندی		
۵ تسکین و توافق			
۴ مشاوره‌ای	درجه ای از مشارکت جزئی	درجه های	
۳ اطلاع رسانی	نشانه گذاری شده	مشارکت	
۲ درمانی			
۱ تقلب و تحت نفوذ گرفتن	غیرمشارکتی		

نمودار ۱. هشت پله مشارکتی (ارنستاین، ۱۹۶۹)

مرحله اول شامل تقلب و فریب‌کاری در مشارکت است. گردآوری امضا برای راه‌اندازی مرکز چندکاره درمانی-تجاری و غیره که امضاکنندگان از پشت پرده‌های راه‌اندازی این مرکز و کیستی و چیستی آن اطلاعی ندارند، نمونه‌ای از تقلب و فریب‌کاری است. در مرحله دوم، درمان^۳ قرار دارد. در این نوع از نگاه به مشارکت، متخصصان با افرادی که در قدرت قرار ندارند مثل عقب‌مانده‌های ذهنی رفتار می‌کنند و به دنبال آموزش آنها هستند. در پله بعدی، اطلاع‌رسانی^۴ اتفاق می‌افتد. طی اطلاع‌رسانی از محل قدرت به افراد بی‌قدرت، بدون هیچ‌گونه بازخورد و تأثیرگذاری بر توزیع منابع،

1. Arnstein. S. P.
2. manipulate
3. Therapy
4. Informing

اطلاع‌رسانی می‌شود. در مرحله مشاوره^۱ نظرات اعضا و ساکنان شهری گردآوری می‌شود، اما تا زمانی که این نظرها و دیدگاه‌ها بایگانی می‌شوند و مورد استفاده قرار نمی‌گیرند و بازخوردی ندارند. آغاز مشارکت از مرحله تسکین و توافق به صورت واقعی اتفاق می‌افتد، اما همه‌گیر نبوده و تنها افراد معدودی را دربرمی‌گیرد. به عنوان مثال، جلب مشارکت نخبه‌های گروه‌های فرودست و مداخله دادن نظرات ایشان در روند تصمیم‌گیری تا اندازه‌ای بر اهداف و آمل مشارکت منطبق است. سه پله بعدی، شراکت^۲ شهروندان شامل گروه‌های مختلف شهروندان مانند زنان، افراد سیاه‌پوست و حتی کودکان، با افراد در رأس قدرت، نمایندگی‌های مؤثر یا قدرت واگذار شده^۳ به شهروندان در تصمیم‌گیری‌ها و در پایان قدرت مشارکت^۴ و نظارت بر عملکرد تصمیم‌گیران از مرحله تصمیم‌گیری تا اقدام، مشارکت واقعی را رقم می‌زند (نک. ارنستین، ۱۹۶۹). «مشارکت عمومی غیرواقعی^۵ و جعلی به آزادی و دموکراسی جعلی در جامعه می‌انجامد و نیاز است تا بازدارنده‌های آن شناسایی شوند» (اشنایدر^۶، ۲۰۱۰: ۸۹).

در این پژوهش، در یک سو، نهاد دولتی اداره ورزش و جوانان کل استان اصفهان قرار دارد و از طرف دیگر، مشارکت در سمن‌ها، بر حضور اعضای سمن‌ها استوار است. هر سمن، فعالیت‌های مشارکتی را با اعضای خودشان محقق می‌سازند. از دو منظر، مشارکت نهاد دولتی و غیردولتی و از طرفی مشارکت داخلی اعضای سمن‌ها تحقق بخش انواع مشارکت در قالب این فعالیت جمعی است. انواع مشارکت در این سمن‌ها، کیفیت مشارکت در بین سمن‌ها و به ویژه کیفیت حضور دختران و زنان جوان در شهر را مشخص خواهد کرد.

روش شناسی پژوهش

این پژوهش با رویکرد کیفی در سال ۱۳۹۷ انجام شده است. در این رویکرد، روش تحلیل روایت موضوعی (رایزمن، ۱۹۹۳، ۲۰۰۷ و ۲۰۰۸)، مدنظر است. تا سال ۱۳۹۷، ۶۰ سمن از ۱۶۶ سمن ثبت شده توسط زنان گروه سنی جوان ۱۸ تا ۳۵ ساله به ثبت رسیده است. بنا بر گزارش اداره کل ورزش و جوانان استان اصفهان، تنها ۳۸ مورد از آنها امروزه فعال هستند. بعد از مطالعات اکتشافی اولیه با توجه به گستردگی استان و جهت سهولت در اجرای مصاحبه، برگه‌های مصاحبه حاوی پرسش‌های کلیدی برای دبیران سمن ارسال شد تا آنها با رویکرد اصلی این پژوهش آشنا شوند. ۲۲ دبیر سمن با این پژوهش همکاری کردند که روایت آنها گردآوری و به صورت منسجم و دستی کدگذاری شد. در گام بعدی، روند تحلیل داده آغاز گردید. در تحلیل داده‌ها به دو بخش تفاوت‌های مواجهه هر سمن با پیرامونشان و استخراج مشابهات مشارکت در سمن‌های بانوان پرداخته شد. کلیدواژه‌های اصلی این تحقیق شامل مواردی مثل چگونگی مشارکت دختران جوان، مشارکت در زمینه‌های سنتی شهرستان‌های استان اصفهان، موضوعات و دغدغه‌های مشارکت و روابط دولتی-

-
1. Consulting
 2. Partnership
 3. Delegated Power
 4. Participation Power
 5. Fake public participation
 6. Snider

سمنی در مشارکت بودند. کلیه زیرمقولات از گفت‌وگو با دبیران سمن‌ها استخراج شد و به پشتوانه نظریه‌هایی در حوزه مشارکت مثل دیدگاه‌های ارنستاین مورد تحلیل و تفسیر قرار گرفت.

یافته‌های پژوهش

۲۲ سمن فعال در استان اصفهان و نوع فعالیت آنها مورد بررسی قرار گرفت. نزدیک به نیمی از دبیران سمن‌ها در مقطع کارشناسی ارشد تحصیل کرده‌اند، سایرین به جز یک تن در مقطع کارشناسی هستند. این دختران جوان در رشته‌های درسی مختلفی تحصیل کرده‌اند. تحصیلات بیش از نیمی از ایشان در رشته‌های علوم انسانی و اجتماعی از جمله: روانشناسی، علوم اجتماعی، گردشگری، باستان‌شناسی، حقوق و مدیریت بازرگانی است. سایر دبیران (کمتر از حدود ۴۰ درصد از دختران مؤسس سمن) دانش آموخته رشته‌های بهداشت، حسابداری، میکروبیولوژی، تربیت بدنی و فناوری اطلاعات بودند. ۱۱ تن از دبیران در گروه سنی ۳۰ تا ۳۴ ساله قرار دارند که از این تعداد، نیمی از آنها مجرد هستند. ۸ تن از آنها در گروه سنی ۲۵ تا ۲۹ ساله قرار دارند که تنها ۲ تن از آنها ازدواج کرده‌اند. در گروه سنی ۲۰ تا ۲۴ ساله هم ۳ دبیر قرار دارند که ازدواج نکرده‌اند. به طور کلی، از ۲۲ دبیر سمن که در این تحقیق مشارکت کرده‌اند ۱۴ تن مجرد بوده‌اند. بیشتر از ۵۰ درصد آنان، شغلی که برایشان درآمد به دنبال داشته باشد ندارند. تعدادی از دبیران سمن‌ها مشاغلی با درآمد اندک و همچنین امنیت شغلی پایینی دارند؛ از این شغل‌ها می‌توان به فروشنده‌گی، بسته‌بندی خشکبار یا پذیرش مهمان‌پذیر اشاره کرد. در جدول پایین به مشاغل و مدت فعالیت سمن‌ها و موضوعات کاری آنها اشاره شده است:

جدول ۳. مشخصات مشارکت‌کنندگان تحقیق به تفکیک شغل، سن و عمر سمن

تعداد	شغل دبیران سمن‌ها به تفکیک	مدت فعالیت سمن
۴ سمن	روانشناس روانشناس بیکار بیکار مدیر ارشد اجرایی و مسئول فنی (قراردادی)	۳ سال
۵ سمن	بیکار بیکار بسته‌بندی خشکبار تسهیل‌گر بهزیستی (قراردادی) پذیرش مهمان‌پذیر (قراردادی)	۲ سال
۹ سمن	بیکار بیکار خانه بوم گردی بیکار	۱ سال

فروشنده

بیکار

دبیر آموزش و پرورش

بیکار

مربی بدنسازی

بیکار

کمتر از ۱ سال

۴ سمن

آموزش و پرورش (قراردادی)

تأثیر زنانگی بر حضور اجتماعی

مشارکت‌کنندگان پژوهش (۲۰ دبیر سمن) - به غیر از دو تن از ایشان - در راستای تأثیرپذیری فعالیت‌های مشارکت‌کنندگان از جنسیت زنانه‌شان اشاره داشتند که راه‌اندازی سمن تنها مختص مردان نیست و زنان هم می‌توانند در این عرصه حضور داشته باشند. بیش از ۷۰ درصد فعالان جوان زن، به ثبت سمن و انجام فعالیت‌های داوطلبانه برای سایر دختران جوان و زنان توصیه داشتند. آنها جنسیت زنانه را مانعی برای فعالیت‌های زنان در ثبت سمن و فعالیت‌های آن نمی‌دانستند، اما دشواری‌هایی برای حضور زنان در این نوع از فعالیت‌های داوطلبانه قائل بودند. سمانه در امر نابرابری بین تعداد زنان و مردان در تشکل‌ها می‌گوید: «فعالیت در تشکل‌ها به علت اینکه آقایان در اکثریت هستند، برای خانم‌ها سخت‌تر هست و سنگ‌اندازی می‌کنند».

هزینه‌های مالی برای زنان فاقد شغل، تبعیض جنسیتی، بی‌اعتمادی به زنان نسبت به مردان ناشی از نگاه‌های کلیشه‌ای به زنان به ویژه در شهرستان‌های کوچک، محدودیت‌های تردد برای زنان، فرسایش جسمی برای زنان، فرهنگ مردسالار در پذیرش زن به عنوان مدیر ارشد و فرایند فرسایشی اداری ثبت سمن از جمله دشواری‌های دیگری است که در روایت‌های دختران و زنان جوان مشارکت‌کننده در این پژوهش آمده است.

دغدغه‌های اجتماعی دبیران سمن‌ها

گاهی موضوع فعالیت، دغدغه‌های از پیش تعیین شده دختران هستند و گاهی به تناسب ثبت سمن، موضوع فعالیت نیز با مشارکت و همفکری اعضا ایجاد می‌شود. تقسیم‌بندی موضوعی هر یک از حوزه‌های فعالیتی سمن‌ها و تنوع و اهمیت آنها می‌تواند بازنمایی از شرایط اجتماعی جامعه هم باشد که دغدغه‌های اجتماعی در بین انواع مسائل دنیای امروزی بیشترین گرایش را به خود اختصاص داده است. از ۲۲ سمن مشارکت‌کننده در این پژوهش ۶ سمن در حوزه اجتماعی فعالیت می‌کنند. پریسا، یکی از دختران مؤسس سمن، به علائق خودش در حوزه فعالیت‌های انسان‌دوستانه اشاره کرده است:

«فعالیت‌های انسان‌دوستانه، دغدغه‌مندی شخصی من، اجتماعی بودن و توجه به مسائل اخلاقی و انسانی برام اهمیت داشت و اذیت می‌شدم از دیدن یا شنیدن اتفاقاتی که اطرافم می‌افتاد و باید کاری می‌کردم که وجودم و قلبم آرام شده و احساس کنم برای جهان کاری کردم و مفید هستم».

فعالیت در موضوع اجتماعی و تلاش برای اصلاح وضع موجود، دستمایه حضور این مؤسسان جوان سمن‌هاست. آیناز که توان‌یاب جسمی است، برای رفع معضلاتی مشابه آنچه که در زندگی شخصی خود تجربه کرده است به عرصه اجتماعی آمده و سمنی را ثبت کرده است. او اظهار می‌کند:

«خلاء و نبود سازمانی برای مرتفع کردن نیاز این قشر (توان‌یابان جسمی) را احساس کردم. سعی کردم به کاهش آسیب اجتماعی قشر جوانان آسیب دیده جسمی کمک کنم».

در کنار این دسته از دغدغه‌های اجتماعی، ۴ سمن به صورت مشخص به کودکان و ارتقای توان آموزشی کودکان پرداخته‌اند. ملیکا، رابطه با کودکان و تلاش دانشجویان برای رفع محرومیت‌زدایی آموزشی را سرتاسر خیر اجتماعی هم برای کودکان و هم برای اعضای سمن معرفی می‌کند:

«استعدایابی دانش‌آموزان مناطق محروم، ایجاد عدالت آموزشی، استعدایابی در زمینه علوم پایه، نیاز دانشجویان رشته‌های علوم پایه به چنین فعالیت‌هایی، احساس نیاز دانش‌آموزان مناطق محروم به امکانات آزمایشگاهی» مواردی است که ملیکا در مصاحبه‌اش فهرست می‌کند.

موضوع شغل نیز در راه‌اندازی سمن‌ها نقش مهمی دارد. مؤسس‌های سمن‌ها اشاره کردند که ثبت سمن به این دلیل بوده که آنها توانستند شغلی در حوزه رشته تخصصی خودشان بیابند. ریحانه، مریم و آمنه به دلیل تمرکز بر رشته تخصصی خودشان، اقدام به ثبت سمن می‌کنند. مهسا معتقد است:

«ثبت سمن برای خیلی از زنان تحصیل‌کرده ما که متأسفانه به دلیل نبود بازار کار بیکار هستند می‌تواند جایگزین خوبی برای رسیدن به علائق آنها باشد».

همزمان با ثبت سمن به مثابه راهی برای ایجاد شغل، برخی از سمن‌ها با موضوع کاریابی و کارآفرینی راه‌اندازی شده‌اند. ۳ سمن کارآفرینی را هدف خود را قرار می‌دهند. در این بخش سمن‌ها به فروش محصولات تولید شده توسط بانوان کارآفرین در قالب بازارچه‌ها، نمایشگاه‌های فصلی و درآمدزایی برای آنها می‌پردازند. سیما که مؤسس سمنی در این حوزه است مواردی چون: کمبود اشتغال در شهرستان، استفاده نکردن از ظرفیت‌های جغرافیای شهرستان، نبود مشاغل خانگی، به کار نگرفتن جوانان تحصیل‌کرده شهرستان، ایجاد ایده‌پردازی و کارآفرینی را از موضوعات سمن خود برمی‌شمارد.

مسائل اعتقادی همسو با گرایش‌های سیاسی سطح کلان هم از جمله مواردی است که سمن‌هایی به قصد فعالیت در آن حوزه‌ها ثبت شده است. دو فعال اجتماعی از شهرستان‌های خمینی‌شهر و برخوار پیرامون موضوعات حجاب و عفاف و بزرگداشت سیره و سلوک شهدا سمن خود را ثبت کرده‌اند. ورزش حوزه دیگری است که دو تن از مؤسسان به ثبت سمن در آن اقدام کرده‌اند. شهر برای اندام زنانه و ورزش زنان در فضای باز موانع و محدودیت‌های بسیاری دارد. فعالیت سمن‌های ورزشی در این نابرابری و بازیابی حداقلی از فضاهای شهری برای ورزش زنان، نقش مهمی در شهر ایفا می‌کند. یکی از مؤسسان سمن‌ها در مصاحبه در مورد کمبودهای ورزشی اشاره می‌کند:

«از حدود دو سال پیش و از زمانی که نیاز به وجود نیروهای داوطلب برای انجام فعالیت‌ها با زمینه ورزشی احساس شد. با توجه به کسر نیرو و کمبود و کاستی‌هایی در زمینه فعالیت اداره ورزش و جوانان نیاز به وجود یک سمن ورزشی با محوریت ورزش و تندرستی در شهرستان احساس می‌شد» (سوگل، ۲۹ ساله).

رسمیت یافتن در برابر غیررسمی بودن

ثبت سمن سبب می‌شود تا فعالان سمن‌ها و اقداماتی که انجام می‌دهند رسمیت و وجاهت قانونی داشته باشد. در مطالعات ابی^۱ بر سازمان‌های غیردولتی نشان داده شده است که رسمیت‌یافتگی، تأثیر مثبت مداخله‌های توسعه‌ای سازمان‌های غیردولتی را افزایش می‌دهد (۲۰۰۸: ۳۷۶-۳۷۰). ثبت سمن در ادارات ورزش و جوانان، ارائه طرح‌های پیشنهادی فعالیت و جذب بودجه‌های اندک در حد ۵ الی ده میلیون تومان برای هر طرح پیشنهادی از ادارات ورزش و جوانان و اعطای منابع دولتی به این دختران جوان، امکان و اختیارات بیشتری می‌دهد. بخشی از نقل قول دبیران سمن‌ها که از روایت‌های آنها استخراج شده، در ادامه آورده شده است:

«بدون ثبت سازمان، قطعاً محدود می‌شدیم و امکان داشت در دسری ایجاد شود. با ثبت، امکان افتتاح حساب قانونی، وجهه رسمی در بین عوام، تعامل با ادارات و پایگاه قانونی برای اعتماد مردم ایجاد شد.» (سمانه)

۴۷

«برای پیشبرد فعالیت به صورت رسمی به ثبت نیاز داشتیم.» (پرینسا)

«... یافتن شخصیت حقوقی جهت انجام پاره‌ای فعالیت‌های اقتصادی؛ بنا به پیشنهاد یکی از انجمن‌ها.» (ریحانه)

«تشکل‌های مردمی در صورتی که از سوی نهادهای دولتی و رسانه‌ها بتوانند رسالت خود را بازگو نمایند می‌توانند به راحتی رفع نیاز از جامعه بنمایند.» (آیناز)

«نیاز به سازمانی برای کمک‌های مالی برای اینکه فعالیت‌ها در قالب یک چارچوب باشد و وجهه قانونی به خود بگیرد و دریافت حمایت‌های مادی و غیرمادی سازمان‌ها.» (لیلا)

«انجام امور اداری، رسمیت پیدا کردن، داشتن عنوان و تابلو، اعتماد بیشتر مردم و همکاری سازمان ملی جوانان جهت راهنمایی و مشاوره.» (فرزانه)

«افزایش دامنه اختیارات برای انجام فعالیت‌های ورزشی در زیر مجموعه اداره ورزش و جوانان.» (سوگل)

«قانونمند بودن کارمان، استفاده از تسهیلات بیشتر، آشنا شدن با دیگر مؤسسات و تعامل با آنها.» (ناجیه)

«هدفمندی و پایداری کار گروهی در زیرمجموعه یک سازمان و حامی بودن آن سازمان برای کار گروهی.» (زیبا)

«هدفمند کردن برنامه‌ها در مورد شهدا و داشتن حامی برای اجرای آن، مشارکت سایر ارگان‌ها در برنامه، سازماندهی شدن برنامه در قالب یک سازمان مردم نهاد به طور رسمی.» (زینب)

غیررسمی بودن فعالیت خارج از چارچوب کنشگری در سمن، علاوه بر اینکه آنها را از اتصال به منابع دولتی اعم از اعتبار، رسمیت و منابع مالی دور نگه می‌دارد، امکان حرکت برای اهداف و فعالیت‌هایشان را دشوار می‌کند. گذر از دنیای غیررسمی به دنیای رسمی به آسانی صورت نمی‌گیرد و بنا بر روایت‌های دختران با دشواری‌های اداری برای ثبت سمن و نیاز به منابع مالی همراه است.

تجربه‌های مشارکت

تجربه‌های مشارکت بر مشارکت جمعی و خارج از چارچوب خانواده دلالت دارد. تحمل دیگری و تعیین هدفی در راستای اهداف گروهی متشکل از کنشگران، مؤلفه‌هایی هستند که در

تجربه‌های مشارکت وجود دارند. آیا حضور امروز آنها در سمن‌ها، از دانش به مشارکت آنها در امور غیرشخصی و غیرخانوادگی ناشی می‌شود؟ به جز دو مورد، هر ۲۰ سمن تجربه‌های مشارکت بیرون از چارچوب خانواده داشتند.

تجربه‌های مشارکت ابعاد بسیاری همچون موضوع فعالیت سمن‌ها، نحوه نگرش به سمن‌ها و فعالیت زنان و حتی تمایل به وسعت بخشیدن به شخصیت فردی در فرایند مشارکت در جامعه را تعیین می‌کنند. تجربه دختر دانش‌آموخته تربیت بدنی یا دختر دیگری که توان‌یاب جسمی است یا آموزه‌های دخترتری که در بطن فعالیت‌های دگرخواهانه خیریه مادرش مشغول تعلیم است در تعیین انواع موضوع فعالیت سمن‌ها بازتاب یافته است. نکته قابل تأمل در زندگی این دختران آن که بیشتر آنها پیش از ثبت سمن، امور مشارکتی دیگری را تجربه کرده‌اند. جدول پایین چکیده‌ای از تجربه‌های آنها را نشان می‌دهد:

۹ سمن در ارتباط و به توصیه نهادهای دولتی مثل اداره ورزش و جوانان و عقیدتی مثل بسیج و سپاه شکل گرفته و عمده تجربه‌های آنان با حضور در گروه‌های بسیج محله‌ها و مساجد مرتبط بوده است سایر دختران مؤسس سمن در مدرسه، دانشگاه، هلال احمر یا سایر سمن‌ها تجربه‌های مشارکتی داشته‌اند. در پژوهش زارع و روهنده (۱۳۹۴) و همچنین پژوهش سروش و افراسیابی (۱۳۸۹) بین متغیرهایی چون رضایت‌مندی سیاسی-اجتماعی یا هویت دینی-ملی قوی‌تر و مشارکت رابطه مثبتی برقرار بوده است. در این پژوهش هم بسیاری از تجربه‌های مشارکت دختران با نهادهای دولتی مثل بسیج و ادارات مختلف از این رضایت‌مندی سیاسی-اجتماعی و هویت دینی-ملی نشأت می‌گرفت. هر اندازه افراد تجربه‌های مشارکت بیشتری داشته باشند، گرایش آنها به راه‌اندازی سمن بیشتر خواهد بود.

جدول ۴. تجارب مشارکتی دبیران سمن‌ها

تعداد دبیران سمن در هر حوزه	تجربه‌های مشارکت قبل از راه‌اندازی سمن
۴ سمن	مشارکت در سایر امور جمعی در انجمن علمی دانشگاه و مدرسه و خانوادگی
۴ سمن	عضویت در هلال احمر و سایر سمن‌ها
۲ سمن	ارتباط با ادارات ورزش و جوانان شهرستان و استان
۷ سمن	تشویق بسیج مساجد و نواحی
۲ سمن	بدون تجربه کار جمعی

روایت یکی از مشارکت‌کنندگان تحقیق قابل تأمل است:

«... من از نوجوانی عضو سمن در سایر سازمان‌ها بودم و از کودکی عضو هلال احمر که به نوعی سمن محسوب می‌شد. علاقه‌مند بودم و فعالیت‌های زیادی در این خصوص انجام دادم. از وقتی سازمان جوانان شکل گرفت، برای عضویت در این سازمان ثبت‌نام کردم که در آن زمان کارت‌های کوچک از طریق پست برای افراد ارسال می‌شد و به نوعی عضویت فرد تأیید می‌شد. در سال ۹۵ که با سمن‌های ورزش و جوانان آشنا شدم و گستره فعالیت ایشان را دیدم، با مشورت با کارشناس در حوزه اجتماعی فعالیت خود را شروع کردم. تا ای که سال ۹۶ توانستیم مجوز لازم را از اداره کل ورزش و جوانان کسب کنیم. بعد از فعالیت در یک سمن به مدت ۱۰ سال، تجربه‌های زیادی را در این خصوص کسب کردم. در گام اول، هسته اولیه گروهی که قرار است یک سمن را شکل دهند

اهمیت دارد- اگر چه می‌توانند هم نظر نباشند و تفاوت در سلیقه و دیدگاه داشته باشند، اما در اهداف گروه باید متحد و متعهد باشند». (مهسا، ۳۲ ساله، مؤسس سمنی با دغدغه‌های اجتماعی) نقش تجربه‌های مشارکت مهسا به خوبی ذکر شده است:

«تا وقتی اطلاعات و آگاهی کافی ندارند، با همان سمن‌های با سابقه همکاری کنند تا تجربه کسب کنند. کیفیت سمن‌ها مهم‌تر از کمیت و تعداد آنهاست. سمن‌هایی که مثل قارچ رشد می‌کنند، اما بدون هیچ تأثیرگذاری و فعالیتی ساکن هستند، ضرر زیادی به سایر سمن‌ها می‌رسانند».

بحث و نتیجه‌گیری

در این نوشتار به کیفیت مشارکت در سمن‌های دختران جوان اصفهان پرداخته شد. پرسش اصلی این بود که دختران جوان مؤسس این سمن‌ها، مشارکت و حضور اجتماعی خودشان را چگونه فهم کرده‌اند و آیا به زنان دیگر توصیه می‌کنند که سمنی ثبت کنند و به عنوان فعال اجتماعی نقش شهروندی خود را ایفا نمایند. مقولات استخراج شده از کدگذاری پاسخ‌های اطلاع‌رسان‌های پژوهش شامل موارد زیر بود:

- تأثیر زنانگی بر حضور اجتماعی
- دغدغه‌های اجتماعی دبیران سمن‌ها
- رسمیت یافتن در برابر غیررسمی بودن
- تجربه‌های مشارکت در زندگی

این مقولات ما را به دو مفهوم کلیدی سوق داد: تربیت سیاسی و جامعه مشارکتی ذره‌ای شده. منظور از تربیت سیاسی، رشد و پرورش در روابط قدرت، خارج از چارچوب روابط خانوادگی است. این نوع از تربیت در جوامع مشارکتی، به تقویت حضور دختران و زنان جوان برای ثبت سمن می‌انجامد. در فضاهایی که شغل و بسترهای اشتغال برای بانوان فراهم نیست و سن ازدواج هم به تأخیر افتاده است، دستیابی به فضاهای مشارکتی راهی برای تثبیت حضور اجتماعی دختران جوان است. این فضاهای مشارکتی در حافظه جمعی مشارکت‌کنندگان این پژوهش بیشتر در ارتباط با مجموعه‌های دولتی و شبه دولتی مثل بسیج و ادارات ورزش و جوانان شکل گرفته است. تنها تعداد اندکی از آنها به تجارب محدود مشارکتی از مدرسه و دانشگاه اشاره کرده‌اند. این نهادهای شبه دولتی و دولتی در دسترس همگان نیست یا بنا به فضاهای اعتقادی این نهادها، زنان با گرایش‌های مختلف فکری امکان یا تمایل به ارتباط با آنها را ندارند. این امر موجب شده است تا زنان از طیف‌های مختلف فکری به صورت مساوی به امکان مشارکت دسترسی نداشته باشند و جامعه مشارکتی به صورت یکنواخت برای آحاد جامعه شکل نگیرد. جامعه مشارکتی همواره کلیت یکپارچه‌ای ترسیم می‌شود که گویا همه اعضای شهر یا محله‌ای در آن به صورت مساوی و خارج از مداخله مستقیم و غیرمستقیم نهادهای دولتی به آن دسترسی دارند. مادامی که زنان به این فضاها دسترسی ندارند، کمتر امکان خلق نمایش حضورشان در قالب سمن‌ها را هم پیدا می‌کنند. در این پژوهش جامعه مشارکتی به صورت ذره‌ای توزیع شده است. در آن نوع از جامعه، فعالیت‌های دگرخواهانه با هدف خیر عمومی به صورت نقطه‌ای و با مداخله نهادهای اداری و شبه دولتی در جامعه نشر یافته است. در گذشته این اهداف در جامعه مذهبی با حضور در مساجد به صورت ذره‌ای در جامعه توزیع شده بود. این رویه امروزه هم وجود دارد؛ با این تفاوت که امروز تنوع فکر و اندیشه در بین زنان و دختران جوان بسیار بیشتر از گذشته است. در حال حاضر، رفت و آمد اندک جوانان به مساجد،

کارکردهای این فضاها را کم‌رنگ ساخته است. از طرفی حضور در این فضاها الزام به خلق مشارکت با ویژگی‌های سمن از میان انواعی که در بالا توصیف شد، به شمار نمی‌آید. مشارکت در قالب سازمان‌های مردم‌نهاد می‌تواند در زمره راهبردهای زنان برای تثبیت حضور زنانه‌شان در محیط امروزی ایران و شهرستان‌های استان اصفهان محسوب شود. فاضلی در کتاب «زنانه شدن شهر با تأکید بر فضاهای شهر تهران» به گسترش حضور زنان در شهرهای کنونی ایران اشاره کرده است. (۱۳۹۶: ۶۵-۵۵) در پژوهشی با موضوع مشارکت سیاسی زنان، به روش کمی و با جامعه آماری زنان ۱۸ تا ۶۴ ساله ساکن در استان آذربایجان شرقی، از بین متغیرهای خاستگاه اجتماعی و اقتصادی خانواده، فعالیت فرد در انجمن‌ها، فعالیت والدین و دوستان فرد در انجمن، تمایل فرد به مشارکت، تمایل والدین و دوستان فرد به مشارکت، متغیر «فعالیت فرد در انجمن‌ها» بیشترین تأثیر و «تمایل والدین فرد به مشارکت» کمترین تأثیر را بر مشارکت سیاسی زنان داشته است» (گلایی و حاجیلو، ۱۳۹۱: ۱۷۴). در پژوهش دیگری نیز به تأثیر فقدان بیگانگی اجتماعی بر افزایش مشارکت دانشجویان تأکید شده است (دهقان و غفاری، ۱۳۸۴: ۶۷-۹۰). مؤلفه فقدان بیگانگی اجتماعی در کنار تسریع‌کننده‌هایی چون تلاش‌های ساختاری در راستای اعطای جلوه‌های مشارکتی در بدنه اداری و سیاسی دولت در این مهم نقش دارد که در پژوهش‌های انجام شده حول موضوع مشارکت این سویه ماجرا نادیده گرفته شده است. مشارکت‌کنندگان همان‌طور که در تجارب مشارکتی در جدول ۴ آمده است، بیان کرده‌اند که این سمن‌ها به تشویق و کمک کارمندان اداره ورزش و جوانان ثبت و فعال هستند. بنا به مصاحبه با کارکنان این اداره‌ها در اصفهان، برای هر اقدام پیشنهادی سمن‌ها، بودجه‌های مصوب دولتی تخصیص داده می‌شود. این بودجه‌ها به طرح‌های مشارکتی پیشنهادی سمن‌ها که مورد تأیید کارشناسان این اداره باشد، اختصاص داده می‌شود. اینکه این برنامه‌ها و سیاست‌های از بالا می‌تواند به ایجاد تغییراتی در جامعه غیرمشارکتی منجر شود یا خیر، بررسی و پژوهش محققان علاقمند به این حوزه را می‌طلبد. در مدیریت هزینه‌هایی از این دست در ایجاد مشارکت عمومی بین دختران نیاز است تا به طور مداوم و همیشگی اجزای مختلف از ابتدا مورد بازبینی قرار بگیرد (در این زمینه نگاه کنید به ونگ و بریر، ۲۰۱۲). اعظم خاتم، پژوهشگر اجتماعی اشاره کرده است: «در جامعه‌ای نظیر ایران که از نظر اجتماعی و همچنین توسعه اقتصادی به شدت دولت‌محور بوده است، شکل‌گیری فعالیت غیردولتی در حوزه غیرسستی می‌تواند هم از باب ضرورت و هم از وجه توان مقاومت در برابر اقتدار دولت مورد تردید قرار گیرد» (خاتم، ۱۳۸۰: ۲۴).

در طیف مشارکت بنا به نردبان هشت پله‌ای مشارکت که در بخش نظری آمده است، مراحل مختلفی وجود دارد و هر نوع حضور عمومی، مشارکت واقعی تلقی نمی‌شود. یکی از مواردی که می‌تواند در این طرز تلقی خاص از مشارکت تأثیر داشته باشد، بررسی چرایی تأسیس سمن‌ها توسط بنیان‌گذاران آنهاست. همان‌طور که روند مطالعه میدانی و تحلیل موضوعی روایت نشان می‌دهد، مواردی چون: به رسمیت شناخته شدن، جایگزین کردن فعالیت در سمن به جای شغل و تأخیر در سن ازدواج در ورود دبیران سمن‌ها به عرصه اجتماعی نقش دارند. مؤلفه تجربه‌های مشارکتی پیشین نیز در حضور این دختران و انتخاب این نوع از فعالیت‌های مشارکتی مؤثر است. این نوع از مشارکت هر چند از نوع مشارکت واقعی در نردبان هشت پله‌ای ارنستاین نیست، اما می‌تواند در تحقق جامعه مدنی که در آن دختران جوان سهم بیشتری از مشارکت دارند، اثربخش باشد- مشروط بر اینکه

الزامات مشارکت عمومی غیرواقعی شناسایی شود. یکی از شیوه‌های تقویت مشارکت واقعی این فرایند مشارکت، توانمندسازی دختران مؤسس سمن است تا امکان بقا و بازدهی بیشتر سمن‌ها فراهم شود. در این راستا و در وهله اول، توجه خاص به مقوله اشتغال و ازدواج دختران جوان از جمله مواردی است که باید به آنها توجه شود. علاوه بر این نیازهای اولیه، تسهیل حضور دختران از طیف‌های مختلف فکری و اجتماعی در مشارکت اجتماعی می‌تواند نقش مهمی در ارتقای اجتماعی جامعه داشته باشد.

سمن‌های مورد بررسی این تحقیق همگی جوان هستند و عمر آنها بین کمتر از ۱ سال تا ۳ سال است. مطالعه طولی سمن‌ها به طور کل و همچنین مطالعه طولی وضعیت موضوع فعالیت این سمن‌ها در نقاط مختلف اصفهان و تأثیرگذاری آنها بر بهبود اوضاع محله و شهر، در بررسی حیات سمن‌ها مؤثر است و راهکارهای مثبتی برای ترویج مشارکت در چارچوب فعالیت سمن‌ها در اصفهان و ایران ارائه خواهد داد. رشد قارچ گونه سمن‌ها و عدم تثبیت آنها در فرایند مشارکت و سپس حذف آنها از این فرایند، یکی از معضلاتی است که گریبان گیر سمن‌ها شده است؛ چنان که از ۶۰ سمن زنان در استان اصفهان از سال ۱۳۹۲ تا سال ۱۳۹۷، امروزه تنها ۳۸ مورد همچنان فعال هستند.

با توجه به پژوهش‌های هندی و کاسمن (۲۰۰۶) و وار نیواز (۲۰۰۰) که به آنها اشاره گردید، ارتقای کیفیت زندگی اجتماعی گروه‌های مختلف در فعالیت‌های سمن‌ها مانند آموزش کودکان یا بهبود وضعیت زنان یا ایجاد اشتغال طی زمان تأثیرگذار بوده است و ناپایداری سمن‌ها نمی‌تواند تأثیر مثبتی بر کیفیت زندگی اجتماعی جامعه داشته باشند.

منابع

- آمارهای ثبت شده اداره کل ورزش و جوانان استان اصفهان ۹۲-۹۷. ()، آرشیو اداره کل ورزش و جوانان استان اصفهان (منتشر نشده).
- جهانگیری، جهانگیر و شکری‌زاده، طاهره. (۱۳۸۹). «بررسی تأثیر سرمایه اجتماعی بر عملکرد سازمان‌های غیردولتی زنان از دید اعضا در شهر شیراز». فصلنامه علمی- پژوهشی زن و جامعه. ۱(۳)، صص ۱۰۵-۱۲۰.
- خاتم، اعظم. (۱۳۸۰). «فعالیت‌های سازمان‌های غیردولتی در زندگی شهری ایران». فصلنامه مدیریت شهری (بخش ویژه مشارکت شهری). شماره ۵، صص ۲۲-۲۷.
- خاتم، اعظم. (۱۳۸۶). «تغییر نقش زنان در حوزه عمومی و خصوصی». مجله زنان. شماره ۱۴۴، صص ۳۱۰-۳۲۰.
- دهقان، علیرضا و غفاری، غلامرضا. (۱۳۸۴). «تبیین مشارکت اجتماعی- فرهنگی دانشجویان دانشگاه های علوم پزشکی شهر تهران». مجله جامعه‌شناسی ایران. جلد ۱(۶)، صص ۹۸-۶۷.
- رمضان‌قوام‌آبادی، محمدحسین و شفیعی سردشت، جعفر. (۱۳۹۱). «آسیب‌شناسی طرح ناظر بر تأسیس، فعالیت و نظارت بر سازمان‌های مردم‌نهاد». تحقیقات حقوقی. ۵۸(۵)، صص ۴۹-۸۲.
- زارع، بیژن و روهنده، مجید. (۱۳۹۴). «بررسی عوامل اجتماعی مؤثر بر مشارکت اجتماعی-سیاسی مطالعه‌ای در باب شهروندان بالای ۱۸ سال شهر کرج». مطالعات اجتماعی ایران. ۲۹(۲)، صص ۶۴-۸۷.
- سروش، مریم و افراسیابی، حسین. (۱۳۸۹). «سرمایه اجتماعی، هویت و مشارکت اجتماعی جوانان شیراز». دو فصلنامه علمی- تخصصی پژوهش جوانان، فرهنگ و جامعه. ۵(۵)، صص ۱۲۳-۱۵۵.
- سعیدی، محمد رضا. (۱۳۸۲). درآمدی بر مشارکت مردمی سازمان‌های غیر دولتی. چاپ اول، تهران: انتشارات سمت
- شاهپوندی، طاهره؛ جهانبخش، اسماعیل و بهیان، شاپور. (۱۳۹۸). «بررسی تجربه زیسته زنان در رابطه با نقش‌های محول و نقش‌های محقق». فصلنامه علمی- پژوهشی زن و جامعه. ۱۱(۱)، صص ۱۹۷-۲۱۶.
- صفری، حسین؛ دانش، پروانه؛ سفیری، خدیجه و فخرایی، سیروس. (۱۳۹۷). «تبیین نابرابری جنسیتی در سازمان‌های مردم‌نهاد استان آذربایجان شرقی». مطالعات و تحقیقات اجتماعی در ایران. ۱(۱۷)، صص ۱۷۹-۲۰۰.
- علیپور، پروین؛ زاهدی، محمدجواد و شیبانی، ملیحه. (۱۳۸۸). «اعتماد و مشارکت (بررسی رابطه بین اعتماد و مشارکت اجتماعی در شهر تهران)». مجله جامعه‌شناسی ایران. ۱۰(۲)، صص ۱۰۹-۱۳۵.
- فاضلی، نعمت‌الله. (۱۳۹۶). زنانه شدن شهر؛ با تأکید بر فضاهای شهری. چاپ اول، تهران: انتشارات تپسا
- قاسمی، پروین. (۱۳۹۶). «مکثی در کوچه‌های شهر؛ گامی برای توسعه محلی». سازمان نوسازی شهرداری تهران (گزارش آنلاین).
- قدسی، میثم. (۱۳۹۷). «بررسی رابطه سرمایه فرهنگی و مشارکت اجتماعی در بین جوانان ۱۵ تا ۲۴ سال شهر ایلام». فصلنامه علمی-ترویجی فرهنگ ایلام. ۱۹(۵۸ و ۵۸)، صص ۱۷۹-۲۰۲.
- گلایی، فاطمه و حاجیلو، فتنه. (۱۳۹۱). «بررسی جامعه‌شناختی برخی عوامل مؤثر بر میزان مشارکت سیاسی زنان (مطالعه موردی: استان آذربایجان شرقی)». مطالعات و تحقیقات اجتماعی در ایران. ۱(۱)، صص ۱۷۳-۲۰۰.

- گلابی، فاطمه و اخشی، نازیلا. (۱۳۹۴). «مشارکت اجتماعی و نشاط اجتماعی». جامعه‌شناسی کاربردی. سال ۲۶، (۳)، صص ۱۳۹-۱۶۰.
- معاونت ساماندهی امور جوانان اداره کل مشارکت‌های اجتماعی و فعالیت‌های داوطلبانه جوانان. (۱۳۹۷). گزارش اجمالی وضعیت سازمان‌های مردم نهاد جوانان دارای اعتبارنامه فعالیت از وزارت ورزش و جوانان (مرتبط با زنان و خانواده).
- محسنی، رضاعلی؛ خوش‌فر، غلامرضا؛ بابایی، قربان‌علی و ابراهیمی، میترا. (۱۳۹۲). «بررسی عامل‌های مؤثر بر انگیزه مشارکت زنان در سازمان‌های مردم نهاد». زن و جامعه. (۲)، صص ۱۶۷-۱۹۰.
- Abbey, E. (2008). **“Constructive regulation of non-government organizations”**. The Quarterly Review of Economics and Finance, 48, 370-376.
- Arnstein, S. R. (1969). **“A Ladder of Citizen Participation”**. Journal of the American Planning Association, 35 (4): 216-24.
- Handy, F., & Kassam, M. (2006). **“Practice What You Preach? The Role of Rural NGOs in Women's Empowerment”**. Journal of Community Practice, 14, 69 - 91.
- Newaz, W. (2000). **“Impact of NGO Credit Programs on the Empowerment of Rural Women in Bangladesh: A Case of UTTARAN”**. Paper presented at the conference "The Third Sector: For what and for whom?" organized by the International Society for Third-sector Research in Dublin, Ireland.
<https://www.microfinancegateway.org/sites/default/files/mfg-en-case-study-impact-of-ngo-credit-programs-on-the-empowerment-of-rural-women-in-bangladesh-a-case-of-uttaran-jul-2000.pdf>
- Riessman, Catherine Kohler. (2008). **Narrative Methods for the Human Sciences**. CA, USA: SAGE Publications, 244pages, Volume 11, No .1, Art .19.
- Riessman, C. K. & Speedy, J. (2007). **“Narrative inquiry in the psycho herapy professions: A critical review”**. In Clandinin, D. J. (Ed) *Handbook of narrative inquiry :Mapping a methodology*. Sage(pp456-426)
- Riessman, C. (1993). **Narrative analysis (Qualitative research methods series 30)**. New bury: Park, CA: Sage
- Srivastava, L., & Austin, M.J. (2012). **Women and Nongovernmental Organizations in Developing Countries**.
- Snider, J. H. (2010). **“Deterring fake public participation”**. International Journal of Public Participation, 4(1), 89-103.
- Wang, X.H., & Bryer, T.A. (2013). **“Assessing the Costs of Public Participation”**. The American Review of Public Administration, 43, 179 - 199.